

فروش خاک یا ترفندی برای محدود کردن تامین اجتماعی؟

صادق کار



اما بحث فروش جزایر در واقع موضوعی انحرافی است برای فضا سازی به منظور عدم اجرای هدفمند سازی، افزایش ندادن، حقوق های بازنشستگی، افزایش سن بازنشستگی و افزایش سهم بازنشستگان از هزینه دارو و درمان و لغو بازنشستگی زود رس در کار های سخت و زیان آور

قصد آقای مدیر و دروغ فروش ۱۴۰ جزیره در یونان برای تامین و تقویت صندوق بازنشستگی، نه برای فروش خاک، بلکه بلوفی ست برای فضا سازی جهت اجرای موارد نام برده، در شرایطی که دولت با موجی از اعتراضات مطالباتی بازنشستگان مواجه است با یک چنین فضا سازی نیاز دارد

سجاد پادام مدیرکل بیمه های اجتماعی وزارت کار در مصاحبه ای که اخیرا با وبسایت "۹۰ اقتصادی" انجام داد پس از اشاره به وضعیت بحرانی صندوق های بازنشستگی گفت: «به زودی مجبور می شویم قشم و کیش و خوزستان را بفروشیم تا بتوانیم حقوق بازنشستگان را بدهیم

اظهارات این مدیر ارشد دولتی بحث های زیادی را دامن زد و واکنشها به صحبت وی بقدری زیاد بود که روابط عمومی و امور بین المللی وزارت کار اظهارات وی را "حاشیه ساز، و خلاف واقعیت خواند و متعاقب آن معاون رفاه و امور اقتصادی این وزارتخانه سجاد پادام را از کار بر کنار کرد

تا آنجا که موضوع به وضعیت بحرانی مالی صندوق های بازنشستگی بر می گردد، سجاد پادام پر بیراه نگفته است، سالهاست که این بحث مطرح است و ظاهرا سال به سال هم وضعیت صندوق های بازنشستگی بدتر شده است. با این حال از آنجا که دولت آمار و ارقام روشنی در این خصوص منتشر نکرده است اظهار نظر در مورد کم و کیف قضیه دشوار است. بعنوان مثال تفاوت آمار بدهی های دولت به صندوق بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد اعلام شده که تفاوت زیادی با هم دارند

البته این مبلغی است که دولت با اجازه خودش هر وقت که خواسته از صندوق تامین اجتماعی برداشت کرده است. مبالغ کلانی نیز دولت و کارفرمایان از بابت سهم حق بیمه کارکنان خود به صندوق مقروض هستند که کسی از چند و چون آن اطلاع درستی ندارد. از سوی دیگر حدود نیمی از کارگران شاغل در



کارگاه های زیر ۱۰ نفر کار می کنند که یا بکلی بیمه نیستند و یا حق بیمه ای که برایشان کارفرما رد می کند، بر اساس حداقل دستمزد است. حدود ۳۰ درصد نیروی کار که در بخش غیر رسمی کار می کنند اساساً از بیمه و همه ی مزایای دیگر بکلی محروم هستند.

افزون بر غارت صندوق توسط دولت‌ها طی ۴۴ سال گذشته، غارت‌هایی هم توسط مدیران دولتی انجام گرفته. برای نمونه می توان به غارت و بذل و بخشش های اشاره کرد که در زمان مدیریت سعید مرتضوی در تامین اجتماعی رخ داد و اسناد آن منتشر شد.

بیکاری انبوه و عدم افزایش مکفی ورودی به صندوق و افزایش خروجی ها نیز از عوامل بحران هستند. برداشتهای نجومی و بدون حساب و کتاب دولت در واقع عامل اصلی بحران در صندوق تامین اجتماعی است.

این بدیهای نجومی در واقع از دست رفته به حساب می آیند چرا که دولت از باز پس دادن آنها حتی زمانی که در برنامه بودجه سالیانه گنجانده می شوند، امتناع می کند.

اما بحث فروش جزایر در واقع موضوعی انحرافی است برای فضا سازی به منظور عدم اجرای هدفمند سازی، افزایش ندادن، حقوق های بازنشستگی، افزایش سن بازنشستگی و افزایش سهم بازنشستگان از هزینه دارو و درمان و لغو باز نشستگی زود رس در کار های سخت و زیان آور.

قصد آقای مدیر و دروغ فروش ۱۴۰ جزیره در یونان برای تامین و تقویت صندوق بازنشستگی، نه برای فروش خاک، بلکه بلوفی ست برای فضا سازی جهت اجرای موارد نام برده، در شرایطی که دولت با موجی از اعتراضات مطالباتی بازنشستگان مواجه است با یک چنین فضا سازی نیاز دارد.

آری بحران هست ولی برای حل آن نیازی به فروش خاک نیست، کافی است دولت بدهی های خود به تامین اجتماعی را پرداخت کند، مدیریت دولتی جای خود را به مدیریت صاحبان واقعی سرمایه های تامین اجتماعی بدهد، اشتغال شایسته کافی ایجاد کند، و سرمایه های سازمان و شیستا بطور مدبرانه در منابع سود آور و کم ریسک سرمایه گذاری شود.

همه ی موارد ذکر شده در بالا به کرات از دولت خواسته شده اما دولت کوچکترین قدمی در جهت هیچ یک از درخواستها نکرده است و نخواهد کرد مگر اینک از طرف بازنشستگان و ۵۰ میلیون عضو مستقیم و غیر مستقیم تامین اجتماعی تحت نهایت فشار قرار بگیرد. اگر اقدامی نشود فاجعه فرو پاشی تامین اجتماعی بسیار جدی است. پس ای بازنشستگان عزیزی که برای گرفتن حق تان همه روزه به خیابانها می آید به مبارزه تان ادامه دهید، ای بازنشستگان خانه نشین برای نجات تامین اجتماعی به همکاران تان در خیابان بیونید و تو کارگر امروز و بازنشسته فردا برای نجات تامین اجتماعی به این مبارزه بپیوند.

از اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی و نفتی و سایر کارگران و بازنشستگان و پرستاران و مطالبات آنان حمایت کنیم!

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش سیزدهم و پایانی

جرمی سیکینگز



چهره‌ای از فقر در آفریقای جنوبی

ضمین معیشت یک برنامه سراسری، و بنابراین گران است. استخدام در برنامه های تضمین اشتغال گزینه‌ای است، زیرا فقط کسانی از آن بهره می‌برند که برای مشاغل ایجاد شده در کادر این برنامه‌ها در دسترس‌اند و خواه ناخواه تعدادشان محدود به تعداد فرصت‌های شغلی‌اند. به طور کلی توزیع مزایای برنامه‌های تضمین اشتغال به دستمزد تعیین شده بستگی دارد؛ این که بودجه موجود صرف چه تعداد شغل با چه دستمزدی می‌شود، تعداد محدود مشاغل با دستمزد نسبتاً بالا، یا تعداد بیشتر و دستمزد پائین‌تر؟

نتیجه

در شمال جهانی حرکت از تضمین معیشت به تضمین کار به عنوان یک تغییر اساسی در حقوق اجتماعی شهروندان مورد انتقاد قرار گرفته است. بنا بر نظر هندلر "تحت رژیم جدید، مزایا مشروط می‌شوند؛ و برخورداری از حقوق شهروندی به انجام وظایف موکول می‌شود. بنابراین شهروندی اجتماعی از یک موقعیت به یک قرارداد تغییر می‌کند." این در حالی است که در جنوب جهانی، درخواست کار در واقع مبین مطالبه حق کار است، و نه وظیفه کار کردن. و به طور کلی بدیلی [جز پذیرش این واقعیت] وجود ندارد. بدیل‌های بالقوه، مثلاً در قالب برنامه‌های جدید کمک‌های اجتماعی، عموماً برای شهروندان غیرقابل تصور‌اند و نخبگان آنها را کنار گذاشته‌اند. آفریقای جنوبی محیطی غیرعادی است که در آن هم برنامه‌های تضمین اشتغال و هم اصلاحات بنیادی در سیستم تضمین معیشت نه تنها قابل تصور‌اند، بلکه در دستور کار قرار دارند. از سوئی کمیته تحقیق [در فقر]، منصوب شده توسط دولت، یک کمک هزینه درآمد پایه را پیشنهاد کرده است و از سوی دیگر دولت وعده برنامه‌های "فراگیر" تضمین اشتغال را وعده کرده است.



هم تضمین اشتغال و هم تضمین معیشت پتانسیل کاهش فقر را دارند. سه خانوار فقیر آفریقای جنوبی را، از کمک هزینه درآمد پایه یا استخدام در یک برنامه تضمین B که در متن تشریح شدند، در نظر بگیرید. خانم اشتغال بهره می برد (با این فرض که مسئولیت او برای مراقبت از کودک امکان او را برای کار محدود نمی ، با توجه به این که تعداد زیادی از افراد بالغ در خانواده وجود دارند، از کمک هزینه G کند). خانواده آقا و خانم ممکن است برای کار در یک برنامه تضمین اشتغال برای راهسازی G پایه درآمد بهره مند خواهند شد. خانم و K خیلی پیر باشد، اما پسر و عروسش احتمالاً کاندیدای استخدام در این برنامه باشند. همچنین، خانم بیکار K خواهرانش از کمک هزینه های درآمد پایه برخوردار خواهند شد و با توجه به این که خواهر خانم است، در یک برنامه تضمین اشتغال استخدام خواهد شد.

تضمین معیشت یک برنامه سراسری، و بنابراین گران است. استخدام در برنامه های تضمین اشتغال گزینه ای است، زیرا فقط کسانی از آن بهره می برند که برای مشاغل ایجاد شده در کادر این برنامه ها در دسترس اند و خواه ناخواه تعدادشان محدود به تعداد فرصت های شغلی اند. به طور کلی توزیع مزایای برنامه های تضمین اشتغال به دستمزد تعیین شده بستگی دارد: این که بودجه موجود صرف چه تعداد شغل با چه دستمزدی می شود، تعداد محدود مشاغل با دستمزد نسبتاً بالا، یا تعداد بیشتر و دستمزد پائین تر؟ کدام یک از این دو استراتژی فقر را بهتر هدف خواهد گرفت؟

البته بودجه لازم برای تضمین معیشت و برنامه های بزرگ ابعاد تضمین اشتغال تفاوت زیادی با هم ندارند. برنامه ای برای تضمین معیشت که فقط 100 راند (15 دلار آمریکا) در ماه برای هر کس منظور می کند (به استثنای افرادی که قبلاً از یک یا چند برنامه تأمین اجتماعی برخوردارند) حدود 54 میلیارد راند (بین 8 تا 9 میلیارد دلار) در سال هزینه دارد. طبق محاسبه مک کورد یک برنامه تضمین اشتغال که 3.2 میلیون شغل یا 845 میلیون روز کاری را با دستمزد 35 راند (5 دلار آمریکا) در روز، فراهم می کند، بسته به هزینه های اداری، بین 37 تا 61 میلیارد راند در سال هزینه دارد. این حدود 40 درصد از روزهای کاری احتمالی بیکاران در آفریقای جنوبی را پر می کند. 50 میلیارد راند در سال معادل 3 درصد تولید ناخالص داخلی است.

با این حال، تضمین معیشت حداقل از سه جنبه نسبت به برنامه های بزرگ ابعاد تضمین اشتغال مزایایی دارد. اول، اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی اصرار دارند که "فرصت های" شغلی در برنامه های تضمین اشتغال موقتی باشند. منطق آنها این است که اگر قرار باشد این فرصت ها طولانی باشند، آن گاه اتحادیه ها برای دستمزدهای بالاتر تلاش خواهند کرد. ثانیاً، بعید است که دولت ظرفیت اجرای برنامه های تضمین اشتغال در مقیاس های عظیم را داشته باشد. تجربه تا به امروز برنامه های نسبتاً کوچک این دست برنامه ها نشان می دهد که هزینه های اجرای برنامه های عظیم بسیار بسیار بیشتر از آنچه مک کورد پیش بینی می کند، خواهد بود. در مقابل، دولت تجربه قابل توجهی در ارائه کمک های اجتماعی دارد. دولت در حال حاضر هر ماه ده میلیون کمک بلاعوض ارائه می کند و به طور فزاینده ای از فناوری های بانکداری رایانه ای بهره می گیرد. تضمین معیشت برای همه بودجه رفاهی را دوبرابر می کند و مستلزم تعداد پرداخت های (عملیات بانکی) چهار تا پنج برابر بیشتر در ماه است، اما این چالش در مقایسه با اجرای برنامه های عظیم تضمین اشتغال ناچیز است.

ثالثاً، در صورت تأمین مالی مناسب، تضمین معیشت بهتر از تضمین اشتغال می تواند فقر را نشانه بگیرد. این نکته محرز است، حتی اگر تضمین معیشت واقعاً سراسری باشد، به این معنا که افراد ثروتمند و فقیر یکسان از کمک هزینه برخوردار شوند. عملی ترین پیشنهاد برای تأمین مالی تضمین معیشت توسط لو ارانه شده، که ناظر بر افزایش مالیات های غیرمستقیم است (مثل مالیات ارزش افزوده و Le Roux) روکس مالیات بر تنباکو، الکل و سوخت). افزایش مالیات های غیرمستقیم به این معنی است که عایدی خالص تهیدستان، کمتر از 100 راند در ماه خواهد بود (به فرض پرداخت 100 راند در ماه به عنوان تضمین معیشت). اما از آنجایی که ثروتمندان بسیار بیشتر از تهیدستان خرج می کنند، مالیات غیرمستقیم بسیار بیشتری می پردازند. طبق محاسبه لو روکس، افزایش 50 درصدی مالیات های غیرمستقیم منجر به این می شود که خانوارهای در پائین ترین دهک درآمدی، 34 راند بیشتر در ماه مالیات بپردازند، به نحوی که عایدی خالص



آنها 66 راند خواهد بود؛ در همین حالت خانوارهای پنج دهک پایین از یک عایدی خالص قابل اتکا و خانوارهای دهک ششم از عایدی خالص اندکی برخوردار خواهند شد. خانوارهای دهک هفتم و هشتم هیچ عایدی خالص یا کاهش درآمد قابل توجهی را تجربه نمی کنند، اما خانوارهای دو دهک ثروتمند از لحاظ عایدی کل پرداخت کننده خواهند بود. به عبارت دیگر مالیات پرداختی شان بسیار بیشتر از آن چیزی است که آنها از محل تضمین معیشت نصیب می برند. تضمین معیشت، که از این طریق تأمین می شود، موجب انتقال حدود 15 میلیارد راند (2 میلیارد دلار آمریکا) یعنی حدود 1 درصد تولید ناخالص داخلی از دو دهک ثروتمند به پنج دهک فقیر می گردد. برنامه های تضمین اشتغال را نمی توان به همین شیوه و بدون عواقب بسیار ناعادلانه تأمین مالی کرد، زیرا اکثر خانواده های فقیر که عضوی در این برنامه ها ندارند، بدون بهره مندی از آنها، ناگزیر به پرداخت مالیات بیشتر می شوند و در نتیجه تهیدست تر. برنامه های تضمین اشتغال با دستمزد بالا نیز بسیاری از افراد غیرفقیر را جذب می کنند و هزینه های اداری (که موجب "نشت" مزایا به افراد غیرفقیر است) بسیار بیشتر از هزینه های تضمین معیشت است.

در شرایطی که اتحادیه های کارگری قدرتمند اند و با برنامه های تضمین اشتغال کم دستمزد یا طولانی مدت مخالف اند، و دولت فاقد ظرفیت برای اجرای برنامه های بزرگ ابعاد تضمین اشتغال است، دلایل سیاسی و اداری قابل توجهی وجود دارند که تضمین معیشت برنامه ای قابل دوام تر است، حتی اگر افکار عمومی اشتغال را به تأمین معیشت ترجیح دهند. اما تضمین معیشت نیز مخالفان قوی خود را دارد، از جمله محافظه کاران مالی در حزب حاکم و در دولت، و نیز در دنیای کسب و کار. تهیدستان از نظر سیاسی قدرتمند نیستند. حتی اتحادیه های کارگری نیز ممکن است در موافقت خود برای تضمین معیشت، بی آن که بخواهند تصریح کنند، تردید داشته باشند؛ خاصه اگر قرار باشد بودجه این برنامه از طریق مالیات غیرمستقیم تأمین گردد. حتی در شرایط نسبتاً مطلوبی مانند آفریقای جنوبی، انتخاب هنوز احتمالاً بین تضمین اشتغال و تضمین معیشت نیست، بلکه بین یکی از این دو، هر یک که باشد، و ادامه وضعیت موجود است. در وضع موجود، هر یک از این دو گزینه یا در تکمیل هم، موجب حمایت سخاوتمندانه، اما گزینشی ای از برخی خانوارهای فقیر می شود، اما بسیاری از دیگر خانوارهای فقیر کنار گذاشته می شوند. آنها مجبورند به امکانات معیشت "غیررسمی" تکیه کنند یا اصلاً هیچ

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!



ضرورت آمادگی برای خنثی سازی اعتصاب شکنان

صادق



در کمتر اعتصابی هست که برای درهم شکستن اعتصاب از اعتصاب شکنان استفاده نشود. بویژه در اعتصابات بزرگ کارفرمایان و دولتها بیشتر از اعتصاب شکنان بهره می گیرند. استفاده از اعتصاب شکنان البته در کشورهای پیشرفته کمتر از گذشته شده است. اما در کشورهای دیکتاتوری و در حال توسعه کارفرمایان از این حربه بیشتر بهره می گیرند. در ایران نیز استفاده از اعتصاب شکنان از گذشته های دور تا کنون در هنگام اعتصابات بزرگ و مهم رایج بوده است. در اعتصاب گذشته شرکت های پیمانکاری از اعتصاب شکنان استفاده شد. تشکلهای کارگری نقش اساسی در بی اثر کردن اقدامات اعتصاب شکنانه دارند. سازماندهی اعتصاب شکنان معمولا توسط نیروهای امنیتی انجام می گیرد و مقابله با آنان بدون داشتن تشکیلات دشوار است.

پس از شروع اعتصاب بیش از ۱۰۰ شرکت پیمانکاری فعال در صنعت نفت و پتروشیمی و پیوستن تعداد دیگری از واحدهای صنعتی غیر نفتی به اعتصابیون توطئه های اعتصاب شکنان برای شکستن اعتصاب شروع شده است. حسن صادقی با لفظ ضد انقلاب از آنها یاد کرد، یکی از سرکردگان مافیای پتروشیمی ۴ هزار کارگر را تهدید به اخراج در صورت ادامه اعتصاب نمود و متعاقب آن تعدادی از کارگران را اخراج کرد، به دنبال آن نیروهای سرکوبگر رژیم عدهای از کارگران را بازداشت کردند.

باند ارتجاعی و امنیتی حاکم بر خانه کارگر درست مانند اعتصاب گذشته برای فریب کارگران بحث قریب الوقوع بودن تصویب قطعی لایحه کذایی مربوط به رسمی کردن کارگران شرکت های پیمانکاری را داد، رئیسی نیز گفت کارگران باید امنیت شغلی داشته باشند و خبر گزاری ایلنا صحبت های تفرقه افکنانه یک نماینده قلابی مدعی نمایندگی ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای را در خصوص اعتصاب منتشر کرد، عدهای نیز از موضع قومی دانسته و یا نادانسته به این ارکستر هفت رنگ پیوستند. و باز هم درست مانند اعتصاب گذشته عدهای از سرکردگان شوراهای اسلامی از ضرورت تشکیل تشکلهای کارگری "بخوان شورای اسلامی" سخن گفتند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت که اوضاع را زیر نظر داشت با دادن بیانیه ای ضمن بر شمردن برخی از اقدامات تفرقه افکنانه اعتصاب شکنان بر ادامه اعتصاب تا موافقت با خواسته های اعتصابیون تاکید و از کارگران خواست اتحاد و همبستگی شان را حفظ کنند.

اعتصاب دو سال پیش کلا بی نتیجه نبود. اعتصاب همیشه حتی زمانی هم که سرکوب می شود کلا بی نتیجه نیست. کارفرما و دولت می فهمند حداقل برای کاستن از نارضایتی و جلوگیری از اعتصابات بعدی هم که شده باید بعد از سرکوب امتیازاتی به کارگران بدهند.



این اتفاق بارها در ایران از گذشته های دور تا کنون تکرار شده است. بعنوان مثال اعتصاب تاریخی کارگران نفت خوزستان در سال ۱۳۰۸ سرکوب شد، اما کمپانی انگلیسی نفت با همه نفوذ و قدر قدرتی اش مجبور شد امتیازاتی به کارگران بدهد. اعتصاب کارگران نساجی وطن در سال ۱۳۱۰ نیز سرکوب شد ولی بعد از سرکوب صاحب کارخانه مجبور شد بخشی از مطالبات اعتصابیون را برآورده سازد.

در اعتصابات دهه بیست به رغم اعتصابات پر شمار خاصه در خوزستان نه تنها رژیم و کارفرمایان و کمپانی انگلیسی نفت مجبور شدند علاوه بر خواست های صنفی حقوق سندیکایی و قانون کار را بپذیرند. در اعتصاب کوره پزخانه ها در پایان دهه ۳۰ و در اعتصابات بعدی نیز سیاست سرکوب رهبران و تشکلهای پذیرش بخشی از مطالبات سیاست غالب بود. این سیاست البته در جمهوری اسلامی به تدریج تغییر کرد و تبدیل شد به سیاست سرکوب صرف. با این حال در این دوره نیز حکومت نتوانست آن را در عمل پیاده کند.

اعتصاب کارگران شرکتهای پیمانکاری در سال گذشته نیز به رغم مواجهه با انبوهی از اعتصاب شکنان و بازداشت ۳۳۰ کارگر بی نتیجه نبود. کارگران توانستند در بسیاری از شرکتهای به بخشی از مطالبات خود برسند. اما کارفرمایان پس از مدتی سعی کردند اوضاع را به حالت قبل از اعتصاب بر گردانند. بعنوان مثال ۱۰ روز مرخصی در مقابل ۲۰ روز کار را پذیرفتند ولی از اجرای آن پس از مدتی طفره رفتند. بهمین جهت است که خواست ۱۰ روز استراحت در این اعتصاب نیز یکی از خواسته های اصلی است.

موافقت ظاهری با خواسته های اعتصابیون و زدن زیر آن بعد از پایان یافتن اعتصاب یکی از شگردهای معمول کارفرمایان و دولت است. علت آن نداشتن تشکل است. در بسیاری از کشورها که حقوق اتحادیه ای به رسمیت شناخته شده، اتحادیه ها هستند که مطالبات را دسته بند می کنند، اعتصابات را فرا می خوانند و مدیریت می کنند و با کارفرما ها مذاکره و چانه زنی می کنند و قرارداد دسته جمعی مدت دار می بندند و طرفین مکلف به رعایت آن هستند. با این وصف کارفرما قادر به زدن زیر قرارداد هایش نیست.

پس از گذشت دوسال از اعتصاب پیشین شناخت و تجربه کارگران و رهبران اعتصاب از شگردهای اعتصاب شکنان بیشتر شده و می دانند که نباید اجازه دهند از همان سوراخ دفعه گذشته گزیده شوند. وضعیت جامعه نیز بکلی دگر گون شده است. از یک سو سایه سنگین جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی بر فضای جامعه گسترده است، از سوی دیگر اعتراضات و اعتصابات دامنه داری همزمان با اعتصاب کارگران شرکتهای پیمانکاری با خواسته افزایش مزد و حقوق بازنشستگی که مهمترین خواسته عموم مزدبگیران است در جریان است و حکومت هم در چنبره بحران های خود ساخته چنان گرفتار شده که راه پس و پیش ندارد.

اکثر گروه های اجتماعی غیر کارگری نیز نسبت به وضعیتی که روز به روز بحرانی تر می شود معترض و خواهان خلاص شدن از آن هستند. این ها عواملی هستند که اگر با درایت و به موقع از آنها بهره گرفته شود، می توانند به کارگران کمک کند اقدامات کارفرمایان و اعتصاب شکنان را بی اثر نموده و به خواسته هایشان برسند با این همه تثبیت هر دست آوردی و برداشتن قدمهای بعدی منوط به داشتن تشکل پایدار و فراگیر استکار دشواری است ولی ناممکن نیست. امکاناتی برای سازماندهی آن هم فراهم است. تجربه معلمان در این زمینه به رغم تفاوتها تجربه شایان توجهی است. در زمان اعتصاب امکان و انگیزه سازمانیابی بیشتر می شود. متناسب با شرایط محل کار می شود اشکال مختلفی از سازمانیابی که زمینه بیشتری و هزینه کمتری دارد را انجام داد. کارگرانی که می توانند چنین اعتصاب بزرگی را سازمان دهند، می توانند خود را نیز سازمان دهند.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



راه کار اعتصاب و خیابان است

صادق



اما در همان روز که خامنه‌ای حق اعتراض کارگران را وعده داد، کارگزاران خامنه‌ای در گوشه و کنار کشور برای ترساندن اعتصابیون مشغول بگیر و ببند و اخراج کارگرانی بودند که برای حق شان اعتصاب کرده بودند و بیدادگاه‌های نظام فقهاتی رهبر مشغول محاکمه بیش از ده کارگر و معلم بود. نیروهای امنیتی حتی کسانی را که برای بازدید از خانواده حبیبی که در زندان است رفته بودند از بردن به زندان و تشکیل پرونده امنیتی برای شان مستثنی نکردند.

عده‌ای از سرکردگان سر سپرده خانه کارگر به رژیم امسال نیز قبل از روز کارگر در میان موج اعتصابات کارگری و تجمع‌های اعتراضی برای دست بوسی و تجدید بیعت به دیدار خامنه‌ای یعنی بزرگترین دشمن کارگران و فرمانده همان کسانی که چهار پنجم کارگران را به زیر خط فقر رانده‌اند، دستمزدهای ۲۷ درصدی را عوامل شان در دولت مطیع خامنه‌ای بر کارگران تحمیل کردند و صدها نفرشان را به بند کشیده‌اند رفتند.

رفتند که بعد از بیعت مجدد از خامنه‌ای بخواهند مصوبه دستمزد غیر قانونی شورای عالی کار را مورد تجدید نظر قرار دهد. رفتند و مثل هر سال دست از پا درازتر برگشتند.

خامنه‌ای حاضر نشد تقاضای آنها را برآورده سازد. وزیر کار رژیم نیز روز بعد از این ملاقات در پاسخ یکی از خبرنگاران که از او پرسید قصد لغو مصوبه مزدی ۲۷ درصدی و افزایش بیشتر دستمزد را دارد یا خیر، جواب منفی داد.

تنها هدیه رهبر به این جماعت یک جمله بود، "کارگران حق دارند اعتراض کنند" و در عوض این وعده توخالی بی خاصیت، آنها در ماده ۱۰ قطعنامه شان نوشتند

حفظ انقلاب و تداوم آن از واجبات است؛ ما ضمن بیعت مجدد با شهدا، امام شهدا و رهبر کبیر و فرزانه "؛ انقلاب اسلامی، بار دیگر پیمان می‌بندیم که همه‌ی توان خود را در جهت تثبیت ارزش‌های انقلاب بکار خواهیم گرفت"

یک روز بعدتر خبر تصویب افزایش حقوق بازنشستگان به اندازه کارگران شاغل یعنی همان ۲۷ درصد برای حداقل بگیران و ۲۱ درصد برای بقیه را منتشر کردند تا دیگر شک و شبهه‌ای مبنی بر تجدید نظر در مصوبه دستمزدی باقی نگذارند. در همان حال که خامنه‌ای و وزیر کار به خواست ابطال مصوبه مزدی و تجدید نظر در آن روی خوش نشان ندادند، کارگران بسیاری که می‌دانستند تنها راه باقی مانده برای افزایش دستمزد



هایشان خیابان و اعتصاب است بی تفاوت به این بازیها همچنان به اعتصاب شان برای افزایش ۷۹ درصد دستمزد خود ادامه می دادند

این وقایع نشان داد که بدون اعتراض پرزور حتی بوسیله تملق گوئی از خامنه‌ای و دفاع تمام قد از سرکوب جنبش انقلابی و کارگران اعتصابی لغو مصوبه غیر قانونی دستمزد و افزایش دستمزد بر اساس ماده ۴۱ قانون کار میسر نیست

اما در همان روز که خامنه‌ای حق اعتراض کارگران را وعده داد، کارگزاران خامنه‌ای در گوشه و کنار کشور برای ترساندن اعتصابیون مشغول بگیر و ببند و اخراج کارگرانی بودند که برای حق شان اعتصاب کرده بودند و بیدادگاه های نظام فقهاتی رهبر مشغول محاکمه بیش از ده کارگر و معلم بود. نیروهای امنیتی حتی کسانی را که برای بازدید از خانواده حبیبی که در زندان است رفته بودند از بردن به زندان و تشکیل پرونده امنیتی برای شان مستثنی نکردند. سه رهبر زندانی سندیکای واحد را که در زندان بودند دو روز بعد از روز کارگر جمعا چکی به ۱۸ سال زندان محکوم کردند

رضا شهبابی ۶ سال، داود رضوی ۶ سال و حسن سعیدی نیز به ۶ سال زندان محکوم شدند. امسال اما به رغم ممنوعیت راهپیمایی روز کارگر، این روز در واقع در میان کارگران اعتصابی و تجمع های بازنشستگی به صورت وسیعی برگزار شد. وسیعتر از چند دهه گذشته. عده‌ای نیز در تهران و چند شهر دیگر بمناسبت روز کارگر به خیابان آمدند و شعارهایی در حمایت از کارگر و علیه رژیم سر دادند

با وجود پهنتر شدن بساط بگیر و ببند و بازداشت و محاکمه تقریبا همزمان بیش از ۱۰ معلم و کارگر، اعتراضات روز کارگر بسی گسترده تر و رادیکالتر از گذشته بر گزار شد. در عوض اما تجمع وابستگان به حکومت که مقابل ساختمان خانه کارگر برگزار شد بی رونق تر از سال گذشته خانه کارگر و شوراهای اسلامی نیز با گنجان این ماده در قطعنامه اول ماه مه امسال خود از سرکوب ها حمایت کردند

در حالی که قریب ۶۰ هزار نفر در روز کارگر برای افزایش دستمزد در اعتصاب بودند و در واقع خواست بقیه کارگران برای افزایش دستمزد را هم نمایندگی می کردند، دارو دسته محجوب به رغم عدم حمایت "خامنه‌ای از افزایش دستمزد، نوشتند

خوشبختانه مقام معظم رهبری در سخنرانی امسال خود در جمع کارگران به خوبی به این موضوع پرداخته و اعتراض صنفی کارگران را به عنوان یک حق تلقی و از آن دفاع کردند. ایشان همچنین در بیانات خود ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را بیکاری و فقر برشمردند و نیروی کار را یکی از ارکان تولید تلقی و لزوم رسیدگی به نیازهای کارگران را به عنوان عاملی که در رشد تولید موثر است، ضروری تلقی کردند "

هیچ حرف تازه‌ای در این کلی گویی نیست . رادیکالتر از این حرفها را بارها مقامات حکومتی گفته‌اند. ولی هیچگاه به آنها عمل نکرده که هیچ، معکوس عمل کرده‌اند. دلیل روشن آن همین قضیه دستمزد امسال و برخورد خامنه‌ای با آن است

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت
تحمیلی حمایت می کنیم!**

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!



هر هفته بیش از ۱۰ تجمع از طرف بازنشستگان در شهرهای مختلف برگزار می شود و تعداد اعتراضات بازنشستگان هر هفته بیشتر می شود. فشار گرانی و تورم و مستمری های اندک محرکهای اصلی اعتراضات بازنشستگان هستند. در این هفته بازنشستگان مخابرات بیش از ۱۲ تجمع در شهرهای مختلف برگزار کردند.

تصویر بالا متعلق به تجمع بازنشستگان در شهر شوش است



تجمع بازنشستگان مخابرات در ۱۲ شهر
اعتراض بازنشستگان مخابرات که از چهار هفته پیش به این سو شتاب گرفته است در روز گذشته نیز
حداقل در ۱۲ شهر ادامه پیدا کرد.
تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف
بازنشستگان خواستار اجرای آیین نامه ۸۹، کاهش سهم بیمه تکمیلی از ۵۰ به ۲۰ درصد سابق و پرداخت
رفاهیات و سهم خواروبار خود هستند



سومین روز تجمع کارگران یزدتایر در اعتراض به دستمزدهای پایین و قراردادهای ناعادلانه کارگران یزد تایر از سومین روز تجمع خود خبر دادند.
سومین روز تجمع کارگران یزدتایر در اعتراض به دستمزدهای پایین و قراردادهای ناعادلانه به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز ۱۱ اردیبهشت ماه، کارگران یزد تایر در تماس با ایلنا از سومین روز تجمع خود خبر دادند
ادامه اعتصاب کارگران شرکت‌های پیمانی در صنعت نفت و پتروشیمی، و غیره به رغم تلاش‌های اعتصاب شکنان

روز گذشته گزارش‌هایی مبنی بر پیوستن همکاران پروژه ای پیمانکاری برادران پژند در شرکت آیریک صنعت پالایش منتشر شده است.

همچنین در خبرها آمده است که همکاران پایینگ و مکانیکال شاغل در فازهای مختلف پارس جنوبی از اعتصاب همکاران پروژه ای اعلام حمایت کرده و بر خواسته‌های مشترک همچون افزایش دستمزد ۷۹ درصدی و کاهش ساعت کار تاکید داشته‌اند.

ما در شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روزانه اخبار و گزارش‌های متعددی دریافت می‌کنیم اما از آن‌جا که برخی از خبرها کامل نیست و جزئیات دقیقی ندارند از انتشار آنها خودداری کرده ایم.

این کانال بازتاب صدای اعتراض همه کارگران نفت و گاز و پتروشیمی و پالایشگاه‌هاست. از همکاران عزیز تقاضا داریم در ارسال خبرها به نکاتی مانند تاریخ اعتصاب یا اعتراض، تعداد همکاران معترض، نام شرکت پیمانکاری، نام کارفرمای اصلی، موضوع پروژه، محل پروژه و مواردی مانند این و همین‌طور ارسال فیلم و عکس توجه داشته باشند.





زنده باد همبستگی و اتحاد کارگران



از تجمع اعتراضی معلمان حمایت می‌کنیم جای معلم در زندان نیست!

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) - هیئت سیاسی - اجرائی .

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به مناسبت زادروز جبار باغچه‌بان و به منظور گرامی‌داشت مقام معلم دعوت به تجمع سراسری در روز ۱۹ اردیبهشت نموده است. شورای هماهنگی در فراخوان خود پس از اشاره به خدمات ابوالحسن خاندلی، محمد بهمن بیگی و جبار باغچه‌بان، تشریح وضعیت ناهنجار آموزش و پرورش، به برخورد سرکوبگرانه با معلمان و دانش‌آموزان، عدم رسیدگی حکومت به خواست‌های آنان اعتراض نموده و به تجمع سراسری دعوت کرده است.

در بیانیه‌ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به بی‌توجهی آشکار به جایگاه علم و معلمان، حذف عملی اصل ۳۰ قانون اساسی، تشدید القائات ایدئولوژیک در کتاب‌های درسی، عدم اجرای قانون نیم‌بند رتبه‌بندی، عدم همسان‌سازی حقوق بازنشستگان پس از ده سال، ایجاد ناامنی روانی و تهدید سلامت جسمی دانش‌آموزان به ویژه دختران دانش‌آموز از مواردی هستند که نسبت به آنها اعتراض شده است.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق)، از اعتراض‌ها و خواست‌های به حق معلمان قاطعانه دفاع می‌کند. ما پایمال سازی حقوق و نادیده گرفتن مطالبات معلمان، سرکوب اعتراضات آنها، بازداشت و زندانی کردن فعالان صنفی و اعضای تشکلهای معلمان را محکوم می‌کنیم و حمایت خود از تجمع اعتراضی سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه معلمان را اعلام کرده، و از نیروهای آزادیخواه می‌خواهیم که از این حرکت اعتراضی و خواست‌های معلمان حمایت کنند و مبارزه برای آزادی معلمان زندانی را تشدید نمایند.

زمان: سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

ساعت ۱۰ تا ۱۲

مکان: تهران: مقابل مجلس

مراکز استان: مقابل ادارات کل آموزش و پرورش

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۸ مه ۲۰۲۳



اعتراض به پرداخت نشدن سنوات و اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی کارگران راه‌آهن دورود منابع کارگری در راه‌آهن کرمان به خبرنگار ایلنا گفتند: گروهی از کارگران ابنیه فنی ناحیه دورود در ادامه بی‌توجهی کارفرما به وضعیت مطالبات معوقه خود؛ روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه اعتراض کردند.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>